

زنان: بی‌کاری

مشکلات ناشی از وضع اقتصادی

محیط اقتصادی در نوع و شماره‌ی جزایم مؤثر است. محیط اقتصادی شامل اوضاع اقتصادی عمومی و فعالیت اقتصاد شخصی است. این محیط در معنای عام به دو دسته تقسیم می‌شود:

دوران رواج امور اقتصادی - این مرحله به دلیل این‌که دوران فعالیت و اندوختن سرمایه است، از جهات عدیده باعث وقوع جرم می‌شود چرا که همه‌ی اقشار جامعه به‌طور یکنواخت از این رواج اقتصادی بهره‌مند نمی‌شوند.

دوران بحران اقتصادی - این دوره به سبب کاهش درآمدها و فقر عمومی بیش‌تر از دوران رواج امور اقتصادی زمینه‌ساز بروز جرایم است. زیرا نخستین آثار بحران، شیوع بی‌کاری و عواقب گریزناپذیری از قبیل ولگردی، تکدی‌گری و دزدی از طرف بی‌کاران مستعد است.

بنابر عقیده‌ی جرم‌شناسان، شرایط اقتصادی و فقر و بی‌کاری مستقیماً از عوامل جرم‌زا نیستند و فقط به صورت غیرمستقیم ممکن است از موجبات بزه‌کاری باشند. آثار بی‌کاری احتمالاً بیش‌تر به صورت بی‌احساسی، استرس، بیماری و پناه بردن به الکل ظاهر می‌شود و هنگامی که بخت یافتن شغل دیگری کم باشد، بی‌کاری به صورت عامل برانگیزنده جرم عمل خواهد کرد. ولی هنگامی که فرد بی‌کاری را به عنوان امری موقت به شمار آورد و بخت اشتغال مجدد را به واسطه‌ی کشف جرم کاهش‌یافته ببیند، ممکن است بیش‌تر از زمان اشتغال از قانون تمیعت کند. بی‌کاری درازمدت در اغلب افراد نوعی احساس نفرت و زدگی نسبت به جامعه فعال به وجود می‌آورد. افزون بر این احساس بی‌پودگی و درنهایت احساس بریدن از جامعه، حالت بی‌تفاوتی، دشمنی و بالاخره انتقام‌جویی که در ذهن بی‌کاران ایجاد می‌شود، خود می‌تواند باگذشت زمان خطر بزرگی برای نظم اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی یک کشور به‌وجود آورد. تصور این‌که قربانیان این بحران بی‌کاری در یک وضعیت دشوار روانی و

بنابر عقیده‌ی جرم‌شناسان، شرایط اقتصادی و فقر و بی‌کاری مستقیماً از عوامل جرم‌زا نیستند و فقط به صورت غیرمستقیم ممکن است از موجبات بزه‌کاری باشند.

جرم و پدیده‌ی مجرمانه فرایند پیچیده‌ای است و از عوامل مختلفی ناشی می‌شود. هیچ‌گاه نمی‌توان برای یک پدیده‌ی مجرمانه دلیل منحصری ذکر کرد. همواره چندین عامل مختلف در کنار هم جمع شده و سبب بروز یک پدیده‌ی مجرمانه در فرد می‌شوند. اما میزان تأثیرگذاری هر یک از این عوامل بسته به مورد متفاوت است.

جرم‌شناسان با بررسی‌های به عمل آمده، علل وقوع جرم را به دو دسته‌ی عمده تقسیم کرده‌اند:

۱ - علل فردی: شامل علل زیست‌شناختی و علل روان‌شناختی

۲ - علل اجتماعی: شامل علل جامعه‌شناختی که خود در چهار بحث بررسی می‌شود: مشکلات ناشی از وضع اقتصادی، مشکلات ناشی از مهاجرت و زندگی شهرنشینی، مشکلات ناشی از زندگی خانوادگی و مشکلات ناشی از سیاست‌گذاری و اشتغال‌زایی دولت. هدف این مقاله بررسی تأثیر علل جامعه‌شناختی و مشکلات ناشی از آن در وقوع بزه با توجه به معضل بی‌کاری است. صاحب‌نظران معتقدند که بحران بی‌کاری و در پی آن فقر در کنار سه بحران مواد مخدر، نابودی محیط زیست و تهدید اتمی، مسئله‌ی جهانی روز شده است. بی‌کاری عاملی است که نه تنها تبعات اقتصادی دارد بلکه معضلات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بسیاری را نیز در پی دارد. در زمینه جرم‌شناسی نیز بی‌کاری به عنوان مقدمه و یکی از عوامل مهم بروز جرم بررسی می‌گردد. فرد بی‌کار شخصی است که کاری در ازای دستمزد انجام نمی‌دهد.

در این شماره به بررسی مسئله بی‌کاری و ارتباط آن با بزه‌کاری به ویژه بزه‌کاری زنان می‌پردازیم.

● مطابق تحقیقات به عمل آمده ۹۰ درصد کودکان ناسازگار از خانه‌های پست و اقامتگاه‌های جمعی و همچنین کودکان بی‌خانمان برخاسته‌اند و ده درصد دیگر به محیط‌های بسیار فقیر تعلق داشته‌اند.

مادی در جست‌وجوی یک پناهگاه آرام بخش به استعمال مواد مخدر روی آوردند و برای رفع نیاز مادی خود وارد باندها و گروه‌های تبهکاری شدند، کار ساده‌ای است. بدین ترتیب کار و فعالیت که یکی از عوامل اجتماعی شدن فرد در جامعه است، با بحران بازار آن می‌تواند فرد بی‌کار را به سمت ضداجتماعی شدن و ارتکاب بزه سوق دهد.

فقر از مهم‌ترین آثار بی‌کاری به شمار می‌آید. ساده‌ترین تعریفی که از فقر در ارتباط با احتیاج می‌توان ارائه کرد، ناتوانی فرد در برآوردن نیازهایش می‌باشد و این نیازها که احتیاج‌های بنیادین انسان به شمار می‌روند خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان و آموزش، تشکیل خانواده و گذراندن اوقات فراغت است. بدیهی است کمبود درآمد سبب می‌شود که شخص بی‌کار برای تأمین نیازهای ضروری زندگی خود به‌خصوص زمانی که دولت نیز از او حمایتی به عمل نمی‌آورد، به وسایل مجرمانه متوسل شود.

در مورد رابطه‌ی بی‌کاری و اثر قهری آن فقر، با ازدیاد جرایم دو نظر متفاوت ابراز شده است. نظر اول این است که فقر عامل مهم بزه‌کاری است زیرا تعداد قابل توجهی از بزه‌کاران، اشخاص فقیر و کم‌درآمدی می‌باشند و غالباً محل‌های فقیرنشین از مراکز قوی بزه‌کاری به حساب می‌آیند ولی بسیاری از جرم‌شناسان فقر و بی‌کاری را از عوامل مستقیم جرم به حساب نمی‌آورند و عقیده دارند که عامل بی‌کاری در ارتکاب جرایم تأثیر غیرمستقیم دارد. به نظر این دانشمندان هرچند که بسیاری از بزه‌کاران از اشخاص فقیر هستند، مع‌الوصف بی‌کاری و کمی درآمد الزاماً مترادف با بزه‌کاری نیست. چه بسا اشخاص کم‌درآمد و

بزه کاری

مرجان بهبودی

ساحره خلعتبری سلطانی

● بی‌کاری به عنوان مسئله‌ای اجتماعی زمینه‌ی مناسب برای انحرافات اجتماعی به‌ویژه اعتیاد است.

فقیر که در کمال تنگدستی هستند ولی با صداقت و شرافت به زندگی سخت تن می‌دهند و مرتکب جرم نمی‌شوند و چه‌بسیارند اشخاص ثروتمند که بر اثر طبع سیری‌ناپذیر مرتکب انواع جرایم مالی از قبیل دزدی، قاچاق، کلاهبرداری و... می‌شوند.

در بیان رابطه‌ی منطقی بین بی‌کاری و بزه‌کاری می‌توان گفت که اشخاص بی‌کار و کم درآمد که از استقلال مالی محروم و در فقر و وابستگی قرار می‌گیرند، ندیده‌ی است در بین این عده، اشخاصی پیدا می‌شوند که بر اثر عدم تربیت صحیح خانوادگی و فقدان تقوا و روح ایمان در برابر وسوسه‌های جدید که زاینده‌ی ناتوانی اقتصادی است قدرت مقاومت خود را از دست می‌دهند و مرتکب جرایمی از نوع سرقت، خیانت در امانت، ولگردی، گدایی و... می‌شوند.

حقیقت آن است که بی‌کاری اعم از آن که آن را عامل مستقیم یا غیرمستقیم بدانیم در ازدیاد بزه‌کاری نقش انکارناپذیری دارد. بی‌کاری به‌ویژه در مواردی که مدت زمانی ادامه یابد، مسلماً یکی از عواملی است که به عنوان عامل مؤثر اجتماعی از لحاظ جرم‌شناسی مورد توجه جرم‌شناسان قرار می‌گیرد. بی‌کاری ممکن است کسانی را که در شرایط عادی اقتصادی در برابر وسوسه‌های ارتکاب جرم پایبندی می‌کنند، در کیفیت بحرانی به ارتکاب اعمال مجرمانه وادار کند. به‌طور کلی بی‌کاری به تنهایی عامل بروز جرم نیست بلکه باید شرایط دیگری نیز فراهم شود تا فرد دست به ارتکاب جرم زند.

نوع جرایمی که فرد بی‌کار مرتکب آن می‌شود با توجه به سن و جنس و موقعیت زندگی متفاوت است. عمده‌ترین نوع جرم، سرقت، جرایم مالی، ولگردی، تکدی‌گری و... است.

دکتر حسین فرجاد^۲ می‌نویسد: «بی‌کاری به عنوان یک مسئله‌ی اجتماعی زمینه مناسب برای انحرافات



اجتماعی به‌ویژه اعتیاد است. افراد بی‌کار چون بیشترین اوقات خود را در قهوه‌خانه‌ها و تریاها می‌گذرانند و این‌گونه اماکن بهترین و مناسب‌ترین جا برای فروش و مصرف مواد مخدر است. در نتیجه برای گرایش و کشش به طرف اعتیاد عامل مساعدی به‌شمار می‌آیند که در اصل از بی‌کاری مردم ناشی می‌شود.^۱ از سوی دیگر رفاه و ثروت بیش از اندازه نیز از عواملی است که فرد را به ورطه‌ی نیستی و فساد و از جمله مواد مخدر می‌کشاند. رفاه عطش سیراب‌نشده‌ی در جهت بهره‌وری حداکثر از امکانات و لوازم دنیوی از راه رفع نیاز مادی است و به همین خاطر فرد از معنویات و ظرفیت‌های عاطفی و روحی دور می‌شود، ثروت و رفاه بالاخص اگر با بی‌کاری و وقت زیاد و عدم احساس مسئولیت‌های اجتماعی آمیخته شود به

خوبی می‌تواند یک عامل قدرتمند در جهت اعتیاد باشد. حسین فرجاد دلیل این امر را عدم وجود روابط انسانی در اثر کثرت کار و سرگرمی ذکر می‌کند. از طرفی این امر بر کسی پوشیده نیست که اعتیاد خود یکی از عوامل مهم و مؤثر در بروز جرایم مختلف است. مسئله بی‌کاری علاوه بر این که قبل از ارتکاب جرم مطرح می‌گردد، بعد از ارتکاب جرم و گذراندن دوران محکومیت نیز می‌تواند بسیار مؤثر در تکرار جرم باشد. افرادی که در زمینه مسائل کیفری سوء سابقه دارند بعد از گذراندن دوران محکومیت و اجرای مجازات بسیار دشوارتر از افراد دیگر می‌توانند تخطی بیابند. در نتیجه به دلیل طرد شدن از جامعه و بعضاً خانواده مستعد تکرار جرم می‌شوند.

● در جرم‌شناسی، بی‌کاری بیه‌عنوان مقدمه و یکی از عوامل مهم بروز جرم بررسی می‌شود.



خانواده فوت می‌کند و زن مسئولیت نگهداری فرزندان را به عهده می‌گیرد یا پدر خانواده هر زندان به سر می‌برد یا به علت اعتیاد قادر به کار کردن نیست، این معضل به چشم می‌خورد.

سازمان‌ها و نهادهای متعددی برای حمایت از افراد بی‌سرپرست، بندسپرست یا خودسرپرست ایجاد شده است، اما هیچ‌گاه هماهنگی‌های لازم جهت ارائه خدمات خود را نداشته‌اند. سازمان بهزیستی درصد تشکیل یک سازمان تحت نظارت مستقیم رئیس‌جمهور می‌باشد تا از زنان بی‌پناه و بی‌سرپرست حمایت کرده و زمینه اشتغال آن‌ها را نیز فراهم کند.

مشکلات ناشی از سیاست‌گذاری و اشتغال‌زایی دولت

سیاست‌گذاری‌های نادرست دولت به‌خصوص در زمینه اشتغال‌زایی یکی دیگر از عواملی است که موجب افزایش بی‌کاری و به تبع آن فقر و در صورت جمع شرایط لازم افزایش بزه‌کاری در جامعه می‌شود.

در جدول شماره پنج لایحه برنامه‌ی سوم بیان شده است «برای این‌که نرخ بی‌کاری از ۱۵/۱ درصد بالاتر نرود، سالانه نیازمند ایجاد ۷۶۵ هزار شغل جدید و در کل ۲۸۲۵ هزار شغل جدید در طول برنامه هستیم». بلعنايت به برنامه‌ی دوم توسعه در ایجاد مشاغل جدید که به طور متوسط ۱۸۰ هزار شغل در سال بود، مشخص می‌گردد که در برنامه‌ی سوم توسعه هدف‌گذاری بالایی در زمینه اشتغال صورت گرفته است ولی ارزیابی‌های کارشناسانه نشان می‌دهد که این برنامه قدرت تحول در اقتصاد کشور را به این میزان ندارد و برای دستیابی به این هدف سیاست‌های کارآمد دیگری لازم است.

بر پایه‌ی آمارهای موجود، تعداد جمعیت فعال اقتصادی ۱۷۹۲۶۰۰۰ نفر است، یعنی در سال‌های ۷۵-۷۸ حدود ۶۳۳ هزار نفر عرضه نیروی کار جدید وارد بازار کار شده‌اند و سهم نیروی کار دارای آموزش عالی از این عرضه نیروی کار جدید ۲۲/۴ درصد است. تعداد بی‌کاران جوانی کار ۲۸۷۴۰۰۰ نفر است و سهم بی‌کاران دارای تحصیلات عالی حدود ده درصد بی‌کاران است و نرخ بی‌کاری ۱۶ درصد برآورد شده است. نرخ بی‌کاری فارغ‌التحصیلان دارای آموزش عالی نیز حدود ۱۵/۲ درصد تخمین زده شده است. نتایج مقدماتی مطالعاتی بعمل آمده اخیر حاکی از این واقعیت است که در چهارچوب دستیابی به یک رشد اقتصادی متوسط حدود شش درصد در طول سال‌های برنامه سوم، که خود مستلزم رخداد رشد متوسط سالانه

موجود، کافی برای خیل بی‌کاران نباشد. وقتی بی‌کاری افزایش یابد، نتیجه قهری آن یعنی فقر حادث می‌شود و در صورت وجود شرایط مستعد برای ارتکاب جرم فرد به سوی بزه‌کاری گشیده می‌شود.

یکی از عوامل مهم در افزایش شهرنشینی، فاصله درآمد روستائیان و شهرنشینان است. هزینه روستائیان سپر صغودی دارد و تقاضا برای زندگی بهتر در میان آن‌ها افزایش یافته است.^۲ در سال ۱۳۷۵ درآمد متوسط خلیوار روستایی ۶۰ درصد درآمد شهرنشینان بود. اگر بخواهیم به شکلی درست محرومیت‌زدایی کنیم و مانع افزایش مهاجرت و شهرنشینی شویم، باید روی این شاخص سرمایه‌گذاری کنیم.

مشکلات ناشی از زندگی خانوادگی

مسکن خانوادگی، نوزاد آسایشی سطح اجتماعی و اقتصادی والدین است و در حقیقت وسیعی به محیط زندگی اجتماعی‌پذیر مربوط می‌شود. تعلق به یک طبقه‌ی پست اجتماعی و اقتصادی ممکن است انعکاس و اثر فوق‌العاده مهمی در افراد بزرگسال سست اراده و مستعد و کودکان نسبت به پذیرش ارزش‌های غالب جامعه‌ی داشته باشد که بر آن زندگی می‌کنند. مطابق تحقیقات بعمل آمده ۹۰ درصد کودکان ناسازگار از خانواده‌های پست و آنامتگاه‌های جسمی و همچنین کودکان بی‌خانمان برخاسته‌اند و ده درصد دیگر به محله‌های خیلی فقیر تعلق داشته‌اند و در موارد نادر می‌تواند شاهد زندگی ناسازگار از میان خانه‌های مجلل نیز باشیم. مهاجرت‌ها و شهرنشینی‌های بی‌رویه و وسیع در محله‌های فقیرنشین و توسعه چنین محله‌هایی نیز از تبعات و آثار بی‌کاری و درآمد کم می‌باشد که نتیجه‌ی آن افزایش جرم و بزه‌کاری در جامعه است.^۳

طلاق و ازهم‌پاشیدگی خانواده نیز از عواملی است که بی‌آمدهای ناهنجاری برای زنان و کودکان به جا مانده از این خانواده از هم پاشیده به همراه دارد. از هم پاشیدگی خانواده سبب می‌شود زن بدون تأمین مادی در جامعه رها شود، با توجه به دیدگاه‌هایی که هنوز هم در جامعه ما در مورد کار کردن زنان وجود دارد و با توجه به موقعیت‌های شغلی اندک و درآمدهای ناچیز زنان که ناشی از قوانین و مقررات دست و پاگیر می‌باشد، این زن ممکن است برای گذراندن زندگی خود و گاه فرزندان ناچار به ارتکاب جرائمی از قبیل جرایم منافی عفت، ولگردی، تکدی‌گری، خرید و فروش مواد مخدر و به دنبال آن استعمال مواد مخدر و... گردد. حتا در جایی که سرپرست خانواده یعنی پدر

مشکلات ناشی از مهاجرت و شهرنشینی

مردم به دلایل مختلف که عمده‌ترین آن‌ها فاصله درآمد میان شهر و روستا و معضل بی‌کاری می‌باشد، برای برطرف کردن نیازهای اقتصادی خود به شهرها مهاجرت و به دنبال این مهاجرت، معضلاتی را به اجتماع جدیدی که در آن ساکن می‌شوند، منتقل می‌کنند.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در نقاط توسعه یافته و پیشرفته و در جاهایی که فرصت‌های شغلی بیش‌تری وجود دارد، تعداد جرایم نیز بیش‌تر است. همچنین وجود قطب‌های کارگری و ظرفیت جذب کارگر می‌تواند به نوبه‌ی خود عاملی در ازدیاد جرایم شود. از جمله دلایل دیگری که مهاجرت را به عنوان عامل بزه‌کاری در کنار سایر عوامل قرار داده به خلاء روانی و پریشان‌خاطری ناشی از اسکان در محل جدید، اشتغال، عدم احساس تعهد نسبت به مقررات، آداب و سنن جامعه جدید، غریبه و ناشناس بودن در میان جامعه و نیاز اقتصادی و معیشتی است.

البته این بدان معنا نیست که خوی بزه‌کاری در میان مهاجران بیش‌تر است. بلکه عوامل و شرایط ویژه‌ی موجب افزایش بزه‌کاری در جوامع مهاجرپذیر می‌شود. شهرنشینی ممکن است تأثیر کاملاً محکوسی در جوامع مختلف داشته باشد مثلاً در بعضی جاها که کار زن در خارج از خانه و فعالیت اجتماعی و اقتصادی او ایده‌آل است و تقاضا برای جذب آنان در رشته‌های مختلف وجود دارد، شهرنشینی باعث افزایش فعالیت زنان می‌گردد در حالی که در جاهای دیگر مثل کشورهای افریقایی و آسیایی نتیجه‌ی عکس این امر ممکن است به دست آید.

افزایش شهرنشینی سبب می‌شود که تعداد مشاغل

حدود ۷۲ درصد سرمایه‌گذاری در کشور است. نرخ بی‌کاری در سال پایانی برنامه سوم (۱۳۸۳) بین ۱۰/۸ تا ۱۲/۸ درصد خواهد بود و نرخ بی‌کاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در این سال به حدود ۱۵/۶ درصد خواهد رسید.^۵

در سال ۱۳۷۷ نرخ بی‌کاری در ایران ۱۴ درصد بوده که نسبت به سال ۱۳۷۵ (۹/۰۴ درصد) افزایش محسوسی داشته است. بر پایه آمارهای موجود، حدود ۲۴ میلیون نفر از جمعیت فعلی کشور را جوانان بین ۱۵ تا ۳۰ سال تشکیل می‌دهند. به بیان دیگر ۴۰ درصد از ترکیب جمعیت کشور را جوانان به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین عرضه‌ی زیاد نیروی کار، رشد بی‌کاری و مشکلات اقتصادی بیاض شده که چشم‌انداز روشنی برای آنبوه متقاضیان کار در جامعه وجود نداشته باشد. در این وضعیت دولت براساس دیدگاه‌های کارشناسان اقتصادی و آمارهای ارائه شده پیش‌بینی کرده است که در طول سال باید نزدیک به ۸۰۰ هزار شغل جدید برای متقاضیان ایجاد شود. اما هنوز این ایده‌آل امکان عملی نیافته است.^۶

● بزه‌کاری زنان در اکثر موارد پنهان می‌ماند، زیرا بر طبق فرهنگ و آداب و سنن ایرانی به جرائم زنان با دیدهای اغماض نگریده می‌شود و سعی می‌شود در مراحل ابتدایی تحقیقات و رسیدگی، حل و فصل شود.

یکی از دلایل مهم این امر سرمایه‌گذاری به روش نادرست است. حمیدرضا برادران شرکا، دکترا در رشته اقتصاد و رییس دانشکده‌ی علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی در این زمینه می‌گوید: «سرمایه‌گذاری باید در دو بخش انسانی و فیزیکی صورت بگیرد، متأسفانه در کشور ما بیش‌تر روی سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی تأکید می‌شود و سرمایه‌گذاری انسانی علی‌رغم اهمیت خود در جامعه مورد توجه قرار نگرفته است. براساس آمار میزان سرمایه‌گذاری نیروی انسانی ما ۲۴ درصد است و این رقم نسبت به سرمایه‌گذاری در بخش فیزیکی پایین است. براساس مطالعات انجام شده تأثیر سرمایه‌های انسانی ۱۱ برابر تأثیر سرمایه‌های فیزیکی بوده و تجربه کشورهای آسیای جنوب‌شرقی مؤید این مطلب است.» دلیل دیگر نبود قوانین حمایتی می‌باشد، اگر قوانین و مقررات، اعتبارات و تسهیلات قضایی و اقتصادی فراهم شود به راحتی می‌توان از مؤسسات متوسط و کوچک در جهت کارآفرینی استفاده کرد. در حال حاضر حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از شغلان، بالای ۶۰ سال سن دارند و عددهای نیز زیر سن قانونی کار قرار دارند که به علت شرایط تورمی وارد بازار کار شده‌اند. اگر

قوانین حمایتی در جهت حمایت مالی از این افراد وجود داشته، تعداد زیادی از فرصت‌های شغلی آزاد می‌شدند و در اختیار جوانان قرار می‌گرفتند. بررسی‌های اخیر وضعیت اشتغال و بی‌کاری در سطح کشور بیانگر این واقعیت است که در حال حاضر براساس فرض منطقی، تحول نرخ مشارکت نیروی کار کشور متأثر از تحولات ساختار سنی، جنسی و وضعیت سواد جمعیت کشور است.

عدم توسعه صنعت نرم‌افزار، عدم توجه کفنی به اقتصاد خرد در راستای اقتصاد کلان، عدم همکاری تمامی سازمان‌ها در حل معضل بی‌کاری و... از جمله مواردی هستند که نرخ بی‌کاری را در کشورمان به نقطه بحرانی می‌رسانند.

ارتباط بی‌کاری و بزه‌کاری در زنان

بزه‌کاری زنان چهار خصوصیت دارد: ۱. میزان و سهم کم آن‌ها در پدیده مجرمانه. ۲. خاص بودن بزه‌کاری زنان. ۳. تمایل زنان در معاونت در جرم. ۴. میزان کم تکرار جرم در زنان بزه‌کار. در اکثر موارد زنان تمایل به معاونت در جرم دارند و این تمایل فقط در قلمرو جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی صادق است. درخصوص تکرار جرم میان مردان و زنان بزه‌کار شباهت وجود دارد ولی در کل تعداد زنان بزه‌کار کم‌تر از مردان بزه‌کار است. (طبق گفته‌ی رییس سازمان زندان‌ها تعداد زنان زندانی پنج درصد در کل کشور می‌باشد.) البته بزه‌کاری زنان در اکثر موارد پنهان می‌ماند زیرا بر طبق فرهنگ و آداب و سنن ایرانی به جرائم زنان با دیدهای اغماض نگریده می‌شود و سعی می‌شود در مراحل ابتدایی تحقیقات و رسیدگی حل و فصل شود. از طرفی پوشش و فیزیولوژی زنان به گونه‌ای است که مانع از افشاشدن سریع جرم ارتكابی آنان می‌گردد. گارپو استاد دانشگاه پو (در فرانسه) براساس نظریه نقش‌های اجتماعی افراسی (متفاوت) افراد، معتقد است که انزوای اجتماعی زنان و تربیت اطفال توسط آنان دو دلیل اصلی کم بودن موارد بزه‌کاری زنان است. لیکن در این نظریه به جنبه‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی بزه‌کاری زنان توجه نشده است. در تاریخ جرم‌شناسی همواره با این نظر روبرو می‌شویم که در طبیعت زنانه، استعداد‌های مجرمانه کم‌تری نسبت به طبیعت مردان وجود دارد. این همان عقیده‌ای است که لمبروزو با این جمله که «زن دارای سبب مجرمانه نیست.» اعلام کرده بود. درخصوص بزه‌کاری زنان باید به نقش حیاتی مادر در شکل‌گیری شخصیت بعضی مجرمین و ناسازگاران توجه کرد. مادر الکلیسم روسپی و مادری که اطفال خود را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد، در این میان

تأثیر حیاتی دارد.^۸

گفتیم که شرایط اقتصادی فرد و جامعه با وقوع جرایم ارتباط نزدیکی دارد. علاوه بر مؤهلان، زنان نیز در شرایط نابسامان اقتصادی ممکن است به سمت ارتکاب جرم کشیده شوند. زنان به دلیل محرومیت‌های خاص اجتماعی و اقتصادی در مقابل مشکلات آسیب‌پذیرترند و چه‌بسا همین مشکلات سبب شوند که آن‌ها به سمت ارتکاب جرم گام بردارند.

شرایط نامساعد اقتصادی در مورد زنان مخلوق عوامل مختلفی چون ساختار اجتماعی و فرهنگ خاص جامعه و قوانین داخلی است. امتیازات خاصی که این قوانین به‌خصوص در زمینه روابط خانوادگی برای

● از هم پاشیدگی خانواده سبب می‌شود، زن بدون تأمین مادی در جامعه رها شود... این زن ممکن است برای گذراندن زندگی خود و گاه فرزندانش ناچار به ارتکاب جرائمی از قبیل جرایم منافی عفت، ولگردی، تکدی‌گری، خرید و فروش مواد مخدر و... شود.

مردان قایل شده‌اند، موقعیت زن را در خانه منززل ساخته است. به موجب قانون مدنی^۹ ایران مرد سرپرست خانواده محسوب می‌شود. بنابر همین مورد در بسیاری از گفت و شنودها می‌شنویم که مرد نان‌آور خانه است و درآمد زن نقش مستقیمی در اقتصاد خانواده ندارد. بدون این‌که به این نکته توجه شود که در بسیاری از خانواده‌ها زن به دلیل جدا شدن از همسرش یا فوت او یا به دلیل اعتیاد، در زندان بودن او، مشکلات اخلاقی شوهر، عملاً سرپرست خانه محسوب شده و بار اقتصادی خانواده بر دوش اوست. از طرف دیگر با توجه به تورم و وضعیت اقتصادی کنونی جامعه درآمد مرد به تنهایی نمی‌تواند جوابگوی هزینه‌های زندگی باشد. با توجه به این عقاید رایج است که در قوانین استخدامی و در مشاغل رسمی و غیررسمی می‌بینیم که همواره اولویت در واگذاری مشاغل با مردان است. حتی در مشاغل غیر تخصصی و سطح پایین نیز این امر مشاهده می‌شود. بر طبق قوانین موجود بسیاری از کارخانه‌ها از استخدام کارگر زن خودداری می‌کنند و از طرفی مرد زنان کارگر با این فرض که درآمد آنان مکمل درآمد مرد است تا نصف پل درآمد مردان می‌باشد.^{۱۰}

در یکی از نظریات علت پرداخت دستمزد کم‌تر به زنان کارایی کم‌تر آن‌ها ذکر شده است و بیان گشته که این امر ناشی از پایین بودن قدرت بدنی زنان است. به‌علاوه زنان مستعد غیبت بیش‌تری در ساعات کار هستند و بازدهی و مهارت کم‌تری دارند. برخی از محققان معتقدند که زنان در نتیجه محدودیت اشتغالی

● قدسیه حجازی عوامل گرایش زنان به بزه کاری را در ازدواج زودرس و تعدد زوجات می‌داند.

ناگزیر به مشاغل خاصی روی آورده‌اند. آنان برای استفاده از همین فرصت‌های نسبتاً محدود نیز به رقابت می‌پردازند که موجب نازل ماندن دستمزد آنان می‌شود. خانم ناهید شهید^{۱۱} حقوقدان در خصوص این بی‌عدالتی‌ها انتقاداتی را به قانون تأمین اجتماعی وارد ساخته است. در مورد کارگران زن و مرد شافل که زیر پوشش بیمه تأمین اجتماعی هستند با فوت زن کارگر، در حالی که شوهر او زنده باشد، فرزندان از مستمری مادر محروم می‌شوند، در صورتی که در مورد مردان چنین نیست. توجه مسئولان در این مورد این است که این امر بدین خاطر است که زنان می‌توانند از بازنشستگی پیش از موعد استفاده کنند ولی این مزیت برای مردان وجود ندارد. در جایی که زن و مرد دوشادوش هم کار می‌کنند و زندگی خانواده را اداره می‌کنند، با فوت مادر در خانواده هم کاهش درآمد اقتصادی به وجود می‌آید و هم فرزندان دچار کمبودهای عاطفی می‌شوند. از نظر قانونی هم حق مستمری فرزندان، در واقع همان بیمه‌ای است که سازمان تأمین اجتماعی پیش از فوت و از بدو استخدام از زن دریافت کرده است و براین اساس از لحاظ قانونی متعهد به پرداخت مستمری می‌باشد. جدا کردن یک قشر با اتکا به این که ولی خاص فرزندان زنده است و او تکلیف بر افاق دارد بنابراین عدم پرداخت مستمری موجه نمی‌باشد، درست نیست.

از طرف دیگر پای بندی به ضوابط و سنت‌های دیرین در رابطه با تقسیم کار بین زن و مرد که ریشه در تاریخ و فرهنگ جامعه ما دارد، سبب شده است که زنان دریافتن شغل مناسب و تلاش برای تأمین زندگی مادی خویش دچار مشکل شوند. وجود این سنت‌ها که بیش تر در خانواده‌های سنتی و یا دارای سطح تحصیلات پایین به چشم می‌خورد اغلب سبب می‌شود که از کار کردن زن در خارج از خانه زیاد استقبال نشود. هنوز هم بسیاری از مردان عدم اشتغال زنان را به عنوان شرطی برای ازدواج ذکر می‌کنند. گاه مشاهده می‌شود که در این خانواده‌های سنتی حتی از تحصیل دختران نیز ممانعت می‌کنند.

تحقیقات انجام شده^{۱۲} نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق زنان در مشاغل غیر تخصصی و حرفه‌هایی که نیاز به آموزش و مهارت‌های شغلی ندارد مشغول به کار هستند. دستمزد پایین و بی‌ثباتی و ناپایداری از خصوصیات این گونه مشاغل است. زنان فاقد تحصیلات و بدون مهارت، کارگران ارزان تری هستند و به دلیل ناآگاهی از مقررات و قوانین حرفه‌ای بیش از مردان در معرض اخراج و سوءاستفاده‌های کارفرمایان قرار می‌گیرند. زنان خانه‌دار و زنان بدسرپرست و بی‌سرپرست و دخترانی که هنوز ازدواج

نکرده‌اند ولی در سنین بالای ۲۵ سال قرار دارند باید مورد حمایت قرار گیرند. زیرا این افراد نیز جزو نیروی انسانی جامعه ما می‌باشند و می‌توانند بازدهی مفیدی داشته باشند. ناهید شهید در این باره می‌گوید: «دولت وظیفه دارد مطابق حکم قانون اساسی برای این افراد تأمین فراهم کند تا در سال‌خوردگی مورد حمایت‌های قانونی قرار بگیرند. و بهترین سازمان برای حمایت از این افراد سازمان تأمین اجتماعی است. چرا که این سازمان مستقل و خودکفاست و از بودجه دولت استفاده نمی‌کند و بنابراین زنانی که تحت سرپرستی سازمان بهزیستی هستند نیز مشمول این حمایت قانونی^{۱۳} می‌شوند».

در زمینه پایین بودن میزان تحصیلات زنان و در نتیجه آن پذیرش شغل‌های پست با دستمزدهای نازل دکتر عراقی^{۱۴}، کارشناس حقوقی، می‌گوید: «اگر قرار باشد نیروی کار در سطح نازلی از لحاظ آموزش نگهداری شود، مزد اندکی بگیرد و شدیداً استثمار شود، نتیجه، تخریب او و نیروی انسانی که در آینده به وجود می‌آید، خواهد بود».

از طرف دیگر اوضاع نامساعد اقتصادی که موج گسترده‌ای از بی‌کاری را به همراه داشته باشد که مرد نیز در تأمین هزینه زندگی ناموفق شود، آسانی طلاق و چندهمسری مردان در کنار این اوضاع نابسامان اقتصادی انگیزه ترک و رها ساختن زنان را در مردان تشدید می‌کند. با وجود مقررات و ضوابط گفته شده ترک همسر یا بیوگی برای زنان به معنای درماندگی است. برخی از قوانین مربوط به سهم الارث زنان و مادران به فقیرتر شدن زنان دامن می‌زند. در مورد زنان مطلقه نیز تعلق تمام دارایی مشترک به مرد بعد از طلاق وضع را بسدتر ساخته است. مهاجرت‌های خانوادگی که بیش تر به جهت بی‌کاری صورت می‌گیرد و ناتوانی مردان در زمینه تأمین زندگی نیز گاه سبب می‌شود که مرد خانواده خود را بی‌پناه رها سازد.

نتیجه تمامی موارد گفته شده، تنگناهای مالی برای زنان می‌باشد که در کنار سایر عوامل زمینه‌گرایش زنان به سوی مجروری را مساعد می‌سازد.

قدسیه حجازی در کتاب خود، جرایم زنان در ایران، جرایم زنان را از لحاظ تقدم در کثرت به اعمال منافی عفت، سرقت، قتل و ضرب و جرح و مصرف و فروش مواد مخدر طبقه‌بندی می‌کند. اما مطابق آخرین آمار ارائه شده در سال ۱۵۱۳۷۷ از طرف سازمان زندان‌ها ۶۰/۴ درصد از زندانیان، مجرمان در ارتباط با مواد مخدر هستند که ۲/۶۲ درصد آنان زن بوده‌اند. بعد از مواد مخدر، منکرات بیش ترین آمار را به خود اختصاص داده است. البته با توجه به این که جرایم منکراتی و منافی عفت معمولاً پنهان می‌مانند چه‌بسا عملاً همان طبقه‌بندی قدسیه حجازی هنوز هم پابرجا باشد.

حجازی عواملی که بیش از همه در گرایش زنان به سوی بزه کاری مؤثرند را بدین شرح برشمرده است:

۱- ازدواج زودرس در سنین پایین دختران که با اجبار والدین و یا به دلیل استیصال خانواده و مشکلات



● تحقیقات نشان می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق زنان در مشاغل غیر تخصصی و حرفه‌هایی که نیاز به آموزش و مهارت‌های شخصی ندارد، مشغول به کار هستند.

اقتصادی یا به دلیل تبعیت از آداب و رسوم و هنجارهای رایج اجتماعی صورت می‌گیرد.

۲- تعدد زوجات. نویسنده راه درمان و جلوگیری از بزه کاری در ایران را مطرح می‌سازد و ایجاد کارهای حرفه‌ای بیش تر برای زنان بر وفق استعداد و روحیه آن‌ها و به مقتضای نیازمندی‌های اجتماعی را به عنوان یکی از موارد بیان می‌دارد.

البته بیان این مطالب مؤید این نیست که تنها زنان طبقات محروم جامعه مرتکب خلاف می‌شوند. در مورد زنان دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا، حتی در صورت ارتکاب اعمال خلاف، احتمال برخورد با دستگاه قضایی کم تر وجود دارد. امتیازات آن‌ها مانع از برخورد آن‌ها با مقامات قضایی می‌گردد. به همین جهت دستگیر شدگان که بالتبع تحقیقات از میان آن‌ها بعمل می‌آید عمدتاً از زنان طبقات پایین و فقیرند که هیچ گونه امتیاز اجتماعی و پشتوانه‌ای ندارند. از سوی دیگر این گونه زنان پس از سپری نمودن دوران محکومیت خود نیز عموماً از طرف خانواده‌هایشان پذیرفته نمی‌شوند و اغلب به دلیل نداشتن محل سکونت و امکانات مالی به سمت تکرار جرم کشیده می‌شوند.

● در بیش تر موارد زنان به معاونت در جرم تمایل دارند و این تمایل فقط در قلمرو جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی صادق است.

اما به نظر صاحب نظران همواره تعداد بزه کارانی که از طبقات محروم جامعه برخاسته اند بیش تر است. به نظر آنان با کاهش محدودیت‌هایی که در نقش‌های زنان وجود داشته و با گسترش دامنه موقعیت‌های اشتغال و تحصیل، احساس زنان در قربانی بودن و استثمار شدن کاهش یافته و در نتیجه انگیزه آنان برای ارتکاب جرایم خشن کاهش می‌یابد. بنابراین افزایش میزان مشارکت زنان در نیروی کار یا اشتغال آنان به تحصیل می‌تواند با شمار موارد ارتکاب جرم نسبت معکوس داشته باشد. درخصوص راه کارهای ارائه شده در مورد مشارکت مؤثر زنان در سطوح مدیریت در برنامه پنج ساله سوم دکتر آرام طاعنی^{۱۶} کارشناس امور اجتماعی می‌نویسد: «نظریاتی در مورد زنان و نقش آن‌ها در توسعه ارائه شده است، در نظریه‌ی مبنی بر رشد اقتصادی به زنان از این جهت که پرورش دهنده و تولید کننده‌ی نیروی کار هستند - نیروی کار ارزان - توجه شده است. نظریه زنان بخش محروم جامعه تساوی انسان‌ها و رفاه خانواده را در نظر دارد و در پی بی‌عدالتی‌هاست. ولی تجربه ثابت کرده که رفاه خانواده الزاماً رفاه زنان و امنیت آنان را تضمین نکرده است. در دیدگاه سوم نه تنها زنان را مصرف کننده و تولید کننده برنامه‌های توسعه (کارگر) می‌شناسند، بلکه توزیع کننده منافع آن معرفی می‌کند، نمایه توسعه نیروی انسانی، نمایه توسعه روابط جنسیتی و نمایه اندازه گیری قدرت جنسیتی، سه نمایه‌ای است که توسعه انسانی زنان در این سه نمایه بین‌المللی انعکاس دارد.

از نظر سازمان ملل نمایه توسعه نیروی انسانی از مهم ترین شاخص‌های توسعه پایدار است که در سال ۱۹۹۸ از ۱۷۴ کشور، کشور ایران مرتبه ۷۸ را داشته که میانگین توسعه نیروی انسانی از میانگین کشورهای در حال توسعه بهتر و از میانگین کشورهای صنعتی عقب‌تر بوده است.

نمایه توسعه روابط جنسیتی بر این اساس قرار دارد که هویت جنسیتی، هویتی اجتماعی است و نه بیولوژیکی و بیانگر آن است که کارکرد نهادهای اجتماعی، نقش را به زنان یا مردان دیکته می‌کند و از آنان توقع اجرای آن را دارد. در سال ۱۹۹۸ میانگین ایران براساس نمایه روابط جنسیتی ۶۴۳ هزارم بوده است و از ۱۷۴ کشور در مرتبه ۹۲ قرار داشته است. نمایه اندازه گیری قدرت جنسیتی از دیگر نمایه‌های بین‌المللی است که توسعه انسانی زنان در این نمایه منعکس شده است. این شاخص از آن جهت اهمیت دارد که به توزیع قدرت در میان دو جنس توجه شده است. اندیشه‌ای که این شاخص را ایجاد کرده تفاوت بین زنان و مردان و در واقع تفاوت دو طبقه‌ی حاکم و محکوم است، بنابراین برنامه‌ریزان توسعه باید

کاری کنند که زنان را در نیمی از قدرت جامعه شریک سازند. عوامل مؤثر در این شاخص نسبت کرسی‌های پارلمانی در اختیار زنان، نسبت زنان مدیر، نسبت زنان متخصص و سهم دریافتی زنان از درآمد ملی است. از این دیدگاه زنان ایران دارای مرتبه ۸۷ در میان ۱۰۲ کشور هستند. نمایه ایران در سال ۱۹۹۸ و بنابر آمارهای ۱۹۹۵، ۲۶۱ هزارم است که حتماً از کشورهای در حال توسعه که ۲۷۴ هزارم است، نیز کم‌تر است. تعداد زنان متخصص در ایران از زنان متخصص نیجریه بیش تر است اما دخالتشان در مدیریت از این کشور کم‌تر است. در ایران نسبت زنان متخصص که به کل متخصصان ۳۲/۶ درصد، در ترکیه ۳۲/۶ درصد و در مراکش ۳۱/۳ است اما سهم زنان ایرانی از درآمد کشور ۱۹ درصد و ترکیه ۲۶ درصد و مراکش ۲۸ درصد است. با توجه به آمار ارائه شده زنان متخصص ایران درصد نسبتاً قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهند در حالی که سهم آن‌ها از درآمد ملی ناچیز است.

بدین ترتیب زنان متخصص می‌توانند دارای پست‌های مدیریت و سرپرستی در سازمان‌های مختلف باشند اما در این خصوص نیز مشکلاتی وجود دارد، دکتر محمود ساعتچی^{۱۷} عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی علی موانع و مشکلاتی که زنان برای تصدی جایگاه‌های مدیریت و سرپرستی در سازمان‌ها را این‌گونه برشمرد:

- الف - واگذار نشدن جایگاه‌های مدیریت به زنان در شرایط برابر.
- ب - پیش‌داوری کارکنان سازمان‌ها در زمینه‌ی توانایی زنان در رهبری و مدیریت.
- ج - عدم تمایل سازمان‌ها نسبت به واگذاری جایگاه‌های مدیریت و رهبری زنان.
- د - اندک بودن مواردی که زنان در کار مدیریت و رهبری به شهرت و موفقیت دست یافته‌اند.
- ه - کمیبود نمونه‌هایی از مدیران موفق زن در سازمان‌ها.

و - عدم تمایل مردان نسبت به کسب استقلال مالی- فکری... همسر.

ز - عدم تمایل مردان به پذیرش مسئولیت‌های سنگین توسط همسرانشان.

و به دنبال بیان این علل راهکارهایی را نیز برای برطرف کردن این موانع ابراز نموده‌اند تا شرایط لازم جهت ترتیب و آموزش مدیران زن فراهم شود و این شرایط عبارتند از:

- ۱- تغییر نگرش کارکنان نسبت به منزلت زن در سازمان‌ها.
- ۲- رعایت عدالت در واگذاری جایگاه‌های مدیریت به کارکنان، صرف‌نظر از جنسیت آنان.
- ۳- فراهم آوردن امکانات آموزشی مناسب، سودمند

و برابر برای زنان و مردان در سازمان‌ها.

- ۴- انجام پژوهش‌های بنیادی در باره‌ی مشکلات زنان مدیر در جوامع مردسالاری.
- ۵- تشویق زنان به مطالعه‌ی کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در زمینه رهبری و مدیریت به چاپ رسیده است.
- ۶- معرفی زنان موفق، در کار سرپرستی و مدیریت در سازمان‌ها.

۷- تشکیل همایش و کارگاه‌های آموزشی مناسب برای زنان متعهد و علاقه‌مند به تصدی جایگاه‌های سرپرستی و مدیریت.

وابستگی ۸۶ درصد از زنان متأهل کشور به درآمد شوهر وابسته هستند و به امر خانه‌داری و خدمات پشتیبانی اشتغال دارند و نتایج کار آن‌ها به صورت ارزش افزوده بر تولید ناخالص ملی و همچنین ۲۰/۷۹ درصد جمعیت زنان شاغل که کارکنان بدون فرد فامیلی در کشاورزی و تولیدات کارگاهی هستند، نشان از فقر عمومی زنان دارد.

نتیجه

ارتکاب جرم و خلاف به قشر یا جنس خاصی تعلق ندارد. هر فرد با توجه به موقعیتی که در آن قرار می‌گیرد ممکن است فرصت‌هایی برای ارتکاب عمل خلاف بیابد. اما در بین شرایط نامساعد اجتماعی و اقتصادی می‌توانند به صورت عوامل مستعد کننده ارتکاب جرم درآیند و میزان ارتکاب جرایم را افزایش دهند. برخورداری از زندگی مناسب هدفی مورد تأیید اجتماع است. حال اگر رسیدن به این هدف از راه‌های مشروع و پسندیده غیرممکن شود چه‌بسا افرادی دست به ارتکاب عمل خلاف برای رسیدن به این هدف می‌زنند. فقدان راه‌های مشروع یا دشواری طی این راه‌ها عاملی است که به تشدید انحرافات کمک می‌کند زیرا اعمال انحرافی خود به نوعی مبارزه با جامعه‌ای است که موفقیت‌ها و راه‌های رسیدن به آن اهداف را محدود می‌سازد.

جرم و بزه‌کاری عوامل متعددی دارد که دست به دست هم می‌دهند و زمینه را برای بروز آن مساعد می‌سازند. اما در هر مورد، بسته به شرایط، نقش یک عامل از همه بارزتر است. فقر اقتصادی، بی‌کاری، اشتغال‌های نامناسب، بی‌سوادی و ناآگاهی اجتماعی، وضعیت زندگی خانوادگی، محل سکونت که خود از عوامل اقتصادی سرچشمه می‌گیرد از جمله عواملی هستند که به افزایش جرم کمک می‌کنند. هیچ‌یک از این عوامل به تنهایی موجب بروز بزه نمی‌شوند. اما اگر مجموعه‌ای از عوامل مساعد کننده وجود داشته باشد هر یک از این عوامل می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در گرایش فرد به سوی مجرمی داشته باشند.

با توجه به مطالب گفته شده مؤثرترین راهکارها در برطرف ساختن هرچه بیش تر معضل بی‌کاری و

به دنبال آن افزایش جرایم، اصلاح قوانین و مقررات مشکل آفرین و بهبود روند سیاست‌گذاری‌های دولت در زمینه اشتغال‌زایی می‌باشد.

پانوشت:

- ۱- افزایش جرایم در ارتباط با بی‌کاری - مجله هشدار پلیس - اسفندماه ۱۳۵۸
- ۲- دکتر فرهاد، محمدحسین - آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، ص ۱۵۷
- ۳- گزارش از مهدوی، حسین - اشتغال گام اساسی در راه محرومیت‌زدایی - روزنامه کیهان ۷۸/۱۲/۲۳
- ۴- دکتر کنیا، مهدی - تأثیر مسکن در بزه‌کاری نوجوانان - مهنامه قضایی - شماره ۱۰۵ - آذر ۱۳۵۳
- ۵- نگاهی کارشناسانه به مسئله بی‌کاری - حسین فاضلی و علیرضا امینی - کارشناسان دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه - مجله تدبیر - شماره ۹۶ - مهرماه ۷۸
- ۶- نقش دولت، بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری در اشتغال‌زایی - محمدصادق پژوهی - مدیر امور مهندسی صنعتی سایکو - مجله تدبیر - شماره ۹۶ - مهرماه ۷۸
- ۷- میزگرد فرصت‌های نهفته اشتغال، کارآفرینی و جوانان - ماهنامه تدبیر - شماره ۹۶ - مهرماه ۷۸
- ۸- دکتر نجفی ایراندادی، علی‌حسین - هاشم‌بیگی، حمید - دانشنامه جرم‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران
- ۹- ماده ۵۳ قانون مدنی «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصایص شوهر است»، ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی «در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است»
- ۱۰- زنان تهیدست در ایران - ترجمه‌ی سعید ملک‌ان، هاله افشار، کتاب توسعه، جلد هشتم، چاپ اول - بهار ۷۴
- ۱۱- گمت‌وگو با ناهید شید، مجله‌ی حقوق زنان - شماره ۵
- ۱۲- وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان مجرم و بزه‌کار در شهر - سوسن ربیع‌زاده - فریبا زمانی، شیبا نبی - پژوهشکده علوم انسانی
- ۱۳- گمت‌وگو با ناهید شید - مجله‌ی حقوق زنان - شماره ۵
- ۱۴- قانون کار مشکل آفرین یا حلال مشکلات، علی‌اکبر بابایی، سیمنا گشمی، مهرانگیز یقین‌لو - ماهنامه‌ی تدبیر - شماره‌ی ۹۶ - مهرماه ۷۸
- ۱۵- بیک زندان
- ۱۶- برگرفته از مقاله‌ی ارائه شده در همایش نظام اداری و توسعه
- ۱۷- گمت‌وگو با دکتر محمود ساعتچی مجله حقوق زنان شماره‌ی ۵

منابع:

- ۱- دکتر میندی کی‌نیا، مینای جرم‌شناسی
- ۲- دکتر تاج‌زمان دانش، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟
- ۳- دانشیه حجازی، بررسی جرایم زن در ایران
- ۴- محمد مهدی خاکپور، علل بزه‌کاری زنان در ایران
- ۵- یوسف مرچی، اقتصاد کلان
- ۶- حمزه کینی، بررسی مسائل در سیاست اشتغال در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی
- ۷- حبیب‌الله تریفی، تأثیر سن، جنس و عوامل اقتصادی و اجتماعی در ارتکاب جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی
- ۸- پرویز محمدزاد، علل گرایش به مواد مخدر و تأثیر آن بر ارتکاب جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی
- ۹- بررسی رابطه تبه‌کاری با پدیده‌ی مهاجرت، ماهنامه‌ی صنعت حمل و نقل، شماره ۱۳، خرداد ۱۳۷۴
- ۱۰- دکتر غمی حسین نجفی ایراندادی، تأثیر بی‌کاری در بزه‌کاری، مجله‌ی تحقیقات حقوقی، شماره‌ی ۹۶، بهار و تابستان ۱۳۷۷
- ۱۱- افزایش جرایم در ارتباط با بی‌کاری، مجله‌ی هشدار پلیس، شماره‌ی ۱، اسفند ۱۳۵۸
- ۱۲- دکتر غمی حسین نجفی ایراندادی، حمید هاشم‌بیگی - جامعه‌شناسی

مرکز مراقبت بعد از خروج

حسب تشخیص شورای طبقه‌بندی زندان یک ماه قبل از آزادی به همراه خلاصه پرونده‌های قضایی و مددکاری با شرح پیشنهاد و نیازمندی‌ها از طریق اداره کل اقدامات تأمینی به مرکز اعلام می‌شود.

همچنین افسری در زمینه حمایت‌های این سازمان خاطرنشان ساخت که در مرکز هیچ فردی به اجبار تحت حمایت قرار نمی‌گیرد اما اگر مرکز تشخیص دهد که فردی در صورت عدم حمایت مجدداً دست به ارتکاب جرم می‌زند، در صورت عدم تمایل او باز هم او را تحت حمایت قرار می‌دهند. اما این مرکز تمام افراد زیر ۱۸ سال را با رضایت یا بدون رضایت تحت حمایت قرار می‌دهد. زیرا بزه‌کاران زیر ۱۸ سال اکثراً بد سرپرست یا بی‌سرپرست بوده و یا بعد از آزادی، خانواده آن‌ها، از پذیرفتن‌شان امتناع می‌کنند. بنابراین برای جلوگیری از بازگشت مجدد آن‌ها به کانون اصلاح و تربیت چنین تمهیدی لازم است. آقای افسری خاطرنشان ساخت که تاکنون حدود ۸۰ نفر تحت حمایت مرکز قرار گرفته‌اند که از این تعداد، سه نفر زن بودند. جنسیت افراد برای مرکز مهم نیست و با این‌که زندانیان زن بسیار اندک هستند و چهار تا پنج درصد کل زندانیان کشور را تشکیل می‌دهند، اما تسهیلات و امکاناتی هم برای ارائه به زنان تدارک دیده شده است. بسیاری از زنان به بخش ویژه بهزیستی معرفی می‌شوند تا از تسهیلات این سازمان نیز بهره‌مند گردند. البته این مرکز بیش‌تر تمایل به حمایت از زنانی دارد که فاقد توان مالی بوده یا فقر آموزشی دارند و یا بی‌سرپرست و بدسرپرست هستند. زیرا این افراد آسیب‌پذیرتر هستند. مردان بدون حمایت هم می‌توانند در جامعه از خود دفاع کنند اما زنانی که مصیبت‌زده شده‌اند یا مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند و بنا به دلایلی مرتکب جرمی شده‌اند، اگر در جامعه رها شوند، امکان آلوده شدن مجدد آن‌ها بیش‌تر است.

مرکز مراقبت بعد از خروج برای ایجاد اشتغال برای این افراد، باید با سازمان‌های مختلف در ارتباط باشد که در درجه‌ی اول با سازمان امور اداری و استخدامی در ارتباط است و کسانی که به طریقی به سبب ارتکاب جرم از سازمان محل کار خود منفک شده‌اند، با بررسی‌های متعدد، امکان بازگشت مجدد آن‌ها را بد شغل سابقشان فراهم می‌آورد.

اما آنچه در نهایت مهم و دارای ارزش است، پذیرش اقشار مردم می‌باشد. افسری همچنین گفت که استقبال از عملکرد چنین مراکزی توسط مردم بزرگ‌ترین پیروزی و نهایت موفقیت برای آن‌هاست. فردی که خطایی مرتکب می‌شود و دوران محکومیت خود را سپری می‌کند، در واقع مجازات شده و از گناه پاک شده است و نباید بواسطه‌ی جرم گذشته، او را از زندگی آینده محروم ساخت بلکه باید او را دوباره در جامعه پذیرفت و فرصت تکرار جرم را از او گرفت.

به منظور پیشگیری از تکرار جرم در این افراد و حمایت از آنان سازمان زندان‌ها مبادرت به تأسیس مرکزی به نام «مرکز مراقبت بعد از خروج» کرده است که آیین‌نامه اجرایی آن نیز چندی پیش به تصویب رییس قوه قضاییه رسیده است. در خصوص چگونگی و تاریخ تأسیس و عملکرد این مرکز علیرضا افسری رییس مرکز گفت: «مرکز مراقبت بعد از خروج واژه تازه‌ای نیست که اخیراً در قانون آمده باشد. این‌گونه مراکز در همه‌ی دنیا دیده می‌شوند اما در هر کشوری به صورتی خاص نمایانگر بوده است. در سال ۱۳۳۹ در ماده‌ی دو قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مؤسسه‌ای مانند مرکز در میان معتادان به الککل، بیمارستان مجرمین به عادت و مرکز مراقبت بعد از خروج پیش‌بینی شده بودند. اما ایجاد مرکز مراقبت بعد از خروج به دلیل این‌که زندان‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی درگیر مسائل خاصی شدند پیگیری نشد. اما در نهایت در سال ۱۳۷۸ آیین‌نامه این مرکز توسط ریاست سازمان زندان‌ها و وزیر دادگستری به رییس قوه‌ی قضاییه پیشنهاد شد و در تاریخ ۷۸/۱۲/۱۳ به تصویب ریاست قوه‌ی قضاییه رسید. در استان تهران این مرکز عملاً کار خود را از مهرماه آغاز کرد و افرادی را تحت پوشش خود گرفته است. اما از سال ۱۳۷۹ با امکانات و تشکیلات جدید رسماً کار خود را آغاز می‌نماید. در مرکز تمام استان‌ها در سطح کشور مرکز مراقبت بعد از خروج کار خود را آغاز کرده است»

اهداف مرکز مراقبت بعد از خروج بسیار وسیع می‌باشد ولی اهم وظایف آن در ماده سه آیین‌نامه بدین شرح آمده است: «الف - ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تأمین مسکن، اعطای تسهیلات، وام بانکی و نظایر آن برای مددجویان. ب - ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزش، بهداشت و درمان، اجتماعی و حقوقی، فرهنگی و مذهبی و ... ج - نظارت بر رفتار مددجویان در مراحل اولیه آزادی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ، تربیت و اعتقادات مذهبی آنان از طریق برقراری اردوهای مناسب و ... د - جذب کمک‌های مردمی و انجمن‌ها و مؤسسات خیریه به منظور مساعدت در وضع مددجویان و خانواده آنان. ه - استفاده از پزشکان مددکاران اجتماعی، مربیان اصلاح و تربیت، صاحبان تخصص و حرف و امثال آن، و - تأسیس صندوق حمایت از مددجویان که اساسنامه آن توسط دفتر قوانین و مقررات سازمان تهیه و به تصویب رئیس سازمان زندان‌ها خواهد رسید. ز - احداث و تهیه اماکن و تأسیسات و امکانات متناسب و مورد نیاز»

مطابق ماده پنج آیین‌نامه، این مرکز افراد واجد شرایطی را مورد حمایت قرار می‌دهد که اساسی آن‌ها با هماهنگی فضا ناظر زندان‌ها توسط ادارات زندان‌ها